روزنامه شرق

جهان

در برابر مدرنیته عقب‌نشینی کردیم — صفحه ۱۰

ایرانیان در شادی جهان سهیم‌اند — صفحه ۱۱

از دکتر مصدق تا برادران آب منگل و شارون استون — صفحه ۱۲

«لیلیا شوتسووا»، پژوهشگر ارشد مرکز «کارنگی» مسکو در گفت‌وگو با «شرق»:

اوکراینی‌ها برای انقلابی دیگر آماده‌اند

نوژن اعتضادالسلطنه

دشواری تایپ واژه‌ها آزارش می‌داد، چراکه در قطار و درحال سفر برای شرکت در کنفرانسی علمی در ژاپن بود. شاید دشواری پاسخ‌دادن به پرسش‌ها در گرماگرم سفر را بتوان با کوران حوادث در اوکراین و فقدان راه‌حلی مؤثر برای پایان‌دادن به آن مقایسه کرد. «لیلیا شوتسووا»، پژوهشگر مرکز «کارنگی» در مسکو، اوکراینی‌تبار است و کارشناس «کرملین‌شناسی» و مسائل روسیه و اوکراین. ازاین‌نظر آشنایی دقیقی با شرایط روسیه، اوکراین و کشورهای حوزه بالتیک دارد. او در گفت‌وگو با «شرق» از خوش‌بینی خود نسبت‌به آینده اوکراین گفت؛ بااین‌حال، احتمال وقوع انقلابی دیگر در اوکراین را منتفی ندانست. این پژوهشگر اوکراینی‌تبار همچنین به ارزیابی نظام سیاسی تحت زمامداری «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، در مسکو پرداخت.

اخیرا، سایت «اینترسپت» گزارشی را تحت عنوان «طالبان مسیحی در اوکراین»، منتشر کرد و از زندگی اعضای گروه‌های ملی‌گرای افراطی نوشت. نظر شما دراین‌باره چیست؟ ملی‌گرایان افراطی تهدیدی واقعی برای اوکراین هستند؟

سخن‌گفتن درباره تهدید ملی‌گرایان افراطی در اوکراین، تبلیغات کرملین است برای آنکه نشان دهد اکنون درون اوکراین، خطر افراط‌گرایی در دست نیروهای غیرمسئول، حاکم است. روس‌ها ازاین‌طریق جهت‌گیری خصمانه خود درقبال اوکراینی‌ها را توجیه می‌کنند. درواقع، ملی‌گرایان در اوکراین فاقد تأثیرگذاری جدی سیاسی هستند و نمایندگان آنها از دستیابی به هرگونه نتیجه چشمگیری در جریان انتخابات بازماندند. ناظرانِ آگاهِ اوضاع اوکراین، هرگز چیزی درباره «طالبان مسیحی» در آن کشور نشنیده‌اند و برخلاف آن، در شهرهای روسیه، گروه‌های فاشیستی، در حال فعالیت هستند. اخیرا، گروه‌های فاشیست، کنگره‌ای را در سن‌پترزبورگ برگزار کردند.

برخی، ازجمله هواداران شوروی سابق استدلال می‌کنند دولت «ویکتور یانوکوویچ»، رئیس‌جمهوری پیشین اوکراین، اگرچه ماهیت دیکتاتوری داشت، بااین‌حال، امنیت و وضعیت اقتصادی بهتری را در مقایسه با امروز، برای اوکراینی‌ها به ارمغان آورده بود.

رژیم یانوکوویچ، یکی از فاسدترین دولت‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. یکی از دلایلی که مردم اوکراین به خیابان‌ها آمدند و تظاهرات را آغاز کردند، آن بود که آنها برای جان‌دادن در راه دستیابی به آزادی و زندگی طبیعی آماده بودند. درواقع، پس از سقوط رژیم یانوکوویچ، وضعیت در اوکراین تنش‌آلود شد و نشانه‌هایی از تعمیق بحران اقتصادی و تضعیف دولت دیده می‌شود. بااین‌حال، ما باید درباره علت این موضوع کنکاش کنیم؛ من دو موضوع را علت اصلی پیامدهای منفی کنونی در اوکراین می‌دانم: نخست، جنگ روسیه علیه اوکراین، بی‌ثبات‌سازی شرق اوکراین و الحاق کریمه به فدراسیون روسیه و دومی، بدترشدن وضعیت اقتصادی که از دوران زمامداری یانوکوویچ آغاز شده بود و تابه‌امروز باقی مانده است. بااین‌حال، دلیل نخست، جدی‌ترین علت وضعیت کنونی در اوکراین است. هر کشوری در دوران جنگ دچار بحران‌هایی است و مجبور است بر آنها فائق آید.

درباره آینده فعالیت اپوزیسیون روسیه چه فکر می‌کنید؟ به نظر شما احتمال تکرار و تداوم قتل مخالفان دولت روسیه، وجود خواهد داشت؟

من مطمئن هستم قتل «بوریس نمتسوف»، ضربه‌ای جدی بر پیکر اپوزیسیون روسیه زد. این قتل را می‌توان یک هشدار قلمداد کرد: «به خود جسارت مبارزه علیه دولت روسیه را ندهید!» شواهد در مسکو حاکی از تسلط جو هراس و تهاجمی است که از سوی دولت روسیه بازتولید می‌شود. اکنون تلویزیون دولتی روسیه نیز نقش مهمی در ایجاد

> **ما نباید درباره نقش «پوتین»، دچار مبالغه‌گویی شویم. بله، او رهبر روسیه است و عملکردش نیز در درون نظامی صورت می‌گیرد که شخص اول کشور در آن از اختیارات بالایی برخوردار است، بااین‌حال این نظام، منطق خاص خود را دنبال می‌کند و رهبر سیاسی کشور نیز در گروگان آن است**

روحیه خشونت میان هواداران «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، برای حذف مخالفان سیاسی ایفا می‌کند. فراتر از این موضوع، تابه‌امروز هنوز کسانی که سازماندهی اصلی قتل‌های سیاسی در روسیه را برعهده داشته‌اند، هرگز شناسایی نشده‌اند. این وضعیت می‌تواند جوی ایجاد کند که اگر قتل‌های دیگری روی دهند، سازمان‌دهندگان و عاملان آن از تعقیب قضائی، مصون خواهند ماند.

به نظر شما «پوتین» در این جنایت نقش داشته است؟

درباره اینکه آیا شخص «پوتین» دستور قتل‌های سیاسی را صادر کرده است یا خیر، مطمئن نیستم. این کار دشواری است. در مورد قتل «نمتسوف»، به‌نظر می‌رسد رئیس‌جمهوری روسیه از این موضوع شگفت‌زده شده است. بااین‌حال، ارتکاب چنین جنایتی در نزدیکی کرملین، محافظت‌شده‌ترین منطقه در مسکو، قبول این موضوع را که نیروهای امنیتی روسیه در این قتل مشارکت نداشته‌اند، دشوارتر می‌کند. در نتیجه، پوتین باید با تصمیم‌گیری درست نشان دهد، در قتل نمتسوف نقشی نداشته است. درهرحال، ما در روسیه بر این باوریم که این قتل، با انگیزه سیاسی انجام شده است.

چشم‌انداز سیاسی دولت پوتین و سیاست‌هایش (سرکوب مخالفان داخلی و الحاق کریمه به فدراسیون روسیه) را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما احتمال عقب‌نشینی پوتین از مواضع کنونی‌اش وجود دارد؟

ما نباید درباره نقش «پوتین»، دچار مبالغه‌گویی شویم. بله، او رهبر روسیه است و عملکردش نیز در درون نظامی صورت می‌گیرد که شخص اول کشور در آن از اختیارات بالایی برخوردار است، بااین‌حال، این نظام، منطق خاص خود را دنبال می‌کند و رهبر سیاسی کشور نیز در گروگان آن است. رژیم سیاسی کنونی در روسیه، با وجود پوتین یا بدون حضور او، نمی‌تواند خطِ مشی دیگری را از نظر کیفی اتخاذ کند و مجبور به استفاده از ابزارهای سرکوب است. با توجه به وضعیت دنیای خارج، نظام کنونی روسیه در محاصره وضعیتی مشابه سنگربندی در جنگ است و در جست‌وجوی دشمن در داخل و خارج از کشور است. من باور ندارم هیأت حاکمه کنونی روسیه تمایل و آمادگی گذار از نظام سیاسی کنونی را داشته باشند؛ نظامی که در آن یک نفر حاکم است و تصمیم‌گیری نهایی را انجام می‌دهد. وضعیت کنونی درحالی تغییر می‌کند که تنها فشاری قوی از پایین به هیأت حاکمه وارد شود.

به نظر شما تغییر رئیس‌جمهوری آمریکا در انتخابات پیشِ‌روی آن کشور، بر وضعیت اوکراین تأثیرگذار خواهد بود؟

درباره احتمال تغییر سیاست آمریکا درقبال بحران اوکراین، هیچ‌گونه شواهدی در دست نیست و پاسخ‌دادن به این پرسش در برهه زمانی کنونی، ناممکن است.

راه‌حل شما برای بهبود وضعیت اوکراین چیست و چه آینده‌ای برای آن کشور پیش‌بینی می‌کنید؟

وضعیت در اوکراین تنها از دو طریق می‌تواند بهبود یابد: پایان جنگ و تجاوز درون خاک اوکراین و آغاز اصلاحات واقعی و نه تقلیدی، از سوی رهبران اوکراین.

بازهم تأکید می‌کنم پایان‌یافتن جنگ برای بهبود وضعیت اوکراین، امری ضروری است، اما برای رسیدن به این هدف، فشار جهان خارج بر هیأت رهبری کرملین لازم است.

تنها ازاین‌طریق است که کرملین درک خواهد کرد، ادامه جنگ در اوکراین، به‌منزله خودکشی خواهد بود و سبب بدترشدن وضعیت بحران اقتصادی در آن کشور خواهد شد. من اطمینان دارم با گذشت زمان، اوکراین در ایجاد تغییر و تحولات تدریجی در اقتصاد و وضعیت سیاسی‌اش موفق خواهد شد. درصورتی‌که این تلاش‌ها شکست بخورند، انقلاب تازه‌ای در راه خواهد بود. رهبران اوکراین این موضوع را به‌خوبی درک کرده‌اند، بااین‌حال، فراتر از حوزه داخلی برای موفقیت اصلاحات در داخل اوکراین، این کشور نیازمند یاری جهانِ خارج است. اوکراین اکنون تنها در آغاز راه و روند اصلاحات است و چالش‌های تازه‌ای پیشِ‌روی این کشور قرار خواهند گرفت.

وحدت دست‌نیافتنی در قبرس

حسن فتحی

پیروزی «مصطفی اکینچی» در انتخابات ریاست‌جمهوری قبرس شمالی، با توجه به دیدگاه‌هایش درباره وحدت دو بخش شمالی و جنوبی این جزیره، با استقبال بخش یونانی‌نشین و احتیاط دولت ترکیه مواجه شد و این مسئله می‌تواند در آینده این جزیره، که در منگنه یونان و ترکیه قرار گرفته، تأثیرگذار باشد، اما برای وحدت قبرس صرفا خواسته و دیدگاه‌های ترک‌تبارها و یونانی‌تبارهای این جزیره ملاک نبوده و نیاز است آنکارا و آتن نیز تمایل و علاقه خود را آشکار کنند و نه‌تنها دست از مخالفت بردارند، بلکه برای تقویت دوستی و تنش‌زدایی نیز دست به اقدامات مثبت و مؤثری بزنند.

اگرچه در سال‌های اخیر مذاکراتی میان رهبران دو بخش قبرس درباره تنش‌زدایی و آشتی صورت گرفته است، اما تازمانی‌که موانع اصلی از سر راه برداشته نشود، نمی‌توان امیدی به وحدت دوباره قبرس داشت؛ به‌این‌دلیل که یونان و ترکیه در قبرس منافعی دارند و دوپاره‌بودن این جزیره از نظر سیاسی و اقتصادی و حتی اجتماعی به نفع آنهاست. با توجه به این واقعیت‌هاست که می‌توان بر این مسئله تأکید کرد که قبرس، حتی قبل از استقلال هم تحت فشار و اقدامات تحریک‌آمیز دو همسایه قدرتمند خود قرار داشته و یونانی‌ها و ترک‌تبارهای قبرس وارد جنگ و درگیری نیابتی از سوی این دو کشور شدند که نتیجه آن، تجزیه دو بخش شمالی و جنوبی از سال ۱۹۷۴ است. مصطفی اکینچی با وعده اتحاد و همبستگی شمال و جنوب، روی کار آمده است و باید دراین‌راستا حرکت کند، ولی همان‌گونه که عنوان شد برای تنش‌زدایی فقط نیاز به جلب رضایت و همراهی یونانی‌تبارهای قبرس نیست، بلکه بیش‌ازهمه وی باید هم‌فکری و همراهی دولت ترکیه را جلب کند، زیرا از زمانی که ترکیه بخش شمالی قبرس را اشغال کرده است، نقش قیّم و بزرگ‌تر ترک‌های قبرس را ایفا می‌کند. به‌همین‌دلیل حتی با پیروزی اکینچی، «رجب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه، صراحتا خواستار همراهی او با آنکارا شده است و گفته ما برای قبرس شمالی بهایی پرداخت کرده‌ایم. ما شهید داده‌ایم و هم‌چنان باید برای آن هزینه بدهیم. به‌این‌ترتیب، مشخص می‌شود راه سخت و صعب‌العبوری مقابل اکینچی قرار دارد که از آنکارا می‌گذرد. ترکیه، که ۳۰ هزار نیروی نظامی در قبرس شمالی دارد، درهرحال خود را سرور و قیّم ترک‌تبارهای قبرس می‌داند و سالانه ۹۰۰ میلیون یورو به این منطقه، که از سال ۱۹۸۳ ظاهرا به یک کشور مستقل تبدیل شده است، کمک مالی می‌کند تا بتواند اقتدار و برتری خود را در دو بخش شمالی و جنوبی قبرس اعمال کند. جزیره قبرس، که با ۹ هزار کیلومتر مربع مساحت بین ترکیه و یونان قرار گرفته است، حتی قبل از استقلال در سال ۱۹۶۰ با مشکلات سیاسی و قومی مواجه بود، زیرا ترک‌ها و یونانی‌ها از زمان امپراتوری عثمانی با یکدیگر در ستیز و چالش بوده‌اند و با وجود تقسیم قدرت میان آنها پس از استقلال، دخالت‌های آنکارا و آتن مانع هم‌زیستی و تعامل این دو گروه شد تا اینکه در سال ۱۹۷۴، کودتای نظامی عوامل یونان در قبرس، زمینه دخالت نظامی ترکیه را فراهم آورد که تا اکنون ادامه داشته و سبب اشغال ۳۸ درصد از خاک این جزیره شده است که از سال ۱۹۸۳ جمهوری قبرس شمالی نامیده می‌شود و فقط از سوی ترکیه به‌رسمیت شناخته شده است.

در سال‌های گذشته با عضویت قبرس جنوبی در اتحادیه اروپا، فشارها بر ترکیه افزایش یافته و این کشور را، که در تلاش است راهی به اتحادیه اروپا بیابد، بر سرِ دو راهی قرار داده است، زیرا خروج نیروهای نظامی و اتباع ترکیه از شمال قبرس همراه با بازگشت پناه‌جویان یونانی و ترک‌تبار و همچنین تقسیم قدرت سیاسی، از مهم‌ترین مسائل مورد مناقشه آنکارا با اروپا و جامعه جهانی است که با پاسخی قابل قبول از سوی آن کشور مواجه نشده است، پس با توجه به مواضع ترکیه و آنچه این‌روزها از اردوغان دیده شده است، این واقعیت آشکار می‌شود که مشکل قبرس بیش از اینکه در داخل این کشور باشد، در نگاه و دیدگاه همسایگان، به این سرزمین است. اکینچی اعلام کرده بود «مسئله قبرس نزدیک به یک قرن است که همچنان پا برجاست. من امیدوارم با همکاری رهبران قبرس یونانی، بتوانیم قبرسی را به نسل‌های آینده بسپاریم که برای همه ساکنان جزیره، نیکی و خوبی به‌همراه بیاورد». به‌گفته او این جزیره ۹ هزار کیلومترمربع مساحت دارد و این دو اقلیت قومی باید آن را به‌طور عادلانه و درست با یکدیگر تقسیم کنند.

روزی «رئوف دنکتاش»، اولین رهبر و رئیس‌جمهور قبرس شمالی، گفته بود هیچ نامزدی نمی‌تواند خلاف میل ترکیه در انتخابات پیروز شود، اگرچه اکینچی معتقد است آن دوران به‌سر آمده، اما این واقعیت را باید پذیرفت که مشکلات قبرس را نمی‌توان صرفا با شعار حل‌وفصل کرد، زیرا اگرچه مردم این کشور خواستار وحدت و همبستگی هستند، اما اراده‌ای فراتر از اراده و خواست آنها وجود دارد که به‌دلیل منافعی که دارد، مایل به تحقق وحدت و یکپارچگی این کشور جزیره‌ای نیست. در سال‌های اخیر با اکتشافاتی که صورت گرفته و تأیید وجود منابع غنی نفت و گاز در دو بخش ترک‌نشین و یونانی‌نشین قبرس، منگنه ترکیه و یونان اطراف این سرزمین سخت‌تر و فشرده‌تر شده و آنها را که درصدد بهره‌برداری از این منابع غنی هستند، به این فکر واداشته که استمرار وضعیت کنونی بهتر از وحدت دو بخش قبرس است و بهره آن درنهایت نصیب کشورهایی خواهد شد که بر قبرس چنگ انداخته‌اند. به‌این‌ترتیب دورنمای یکپارچگی دو بخش شمالی و جنوبی قبرس، به‌مراتب تیره‌وتار شده و زمینه‌های آشتی و تعامل، با وجود خواست مردم از بین می‌رود. با توجه به این واقعیت‌هاست که باید صراحتا بر این مسئله تأکید شود که امیدهای اکینچی و حامیانش واهی بوده و صلح و دوستی میان ترک‌تبارها و یونانی‌تبارهای قبرس، با وجود تمایل آنها، دست‌نیافتنی و دورازدسترس است، زیرا این خواسته آنکارا و آتن است که از جدایی دو بخش شمالی و جنوبی قبرس بهره‌مند شوند و بر حفظ این وضعیت اصرار ورزند.

یادداشت

پوتین و بحران تمام‌نشده اوکراین

بحران در یکی از کشورهای شرقی اتحادیه اروپا؛ جایی که شهروندانش زبان روسی را می‌فهمند و حتی فرهنگی مشابه دارند، بدون شک برای «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه که تنها در اندیشه رسیدن به قدرت منطقه‌ای و جهانی است، هشداری تمام‌نشدنی است. این زبان مشترک می‌تواند زمینه خروج پوتین را از قدرت فراهم کند.

در شبی که در کی‌یف، «ویکتور یانوکوویچ»، رئیس‌جمهوری برکنارشده اوکراین، بعد از سه ماه تصرف میدان اصلی پایتخت، به شکست خود اذعان می‌کرد؛ دادگاهی در روسیه هشت نفر را به دلیل شرکت در ناآرامی‌ها و خشونت علیه پلیس ضدشورش در ماه می سال ۲۰۱۲ مجرم شناخت. در حکم نهایی، این هشت نفر به حبس‌های طولانی شش‌سال محکوم شدند تا مهر تأییدی به پیروزی ولادیمیر پوتین در انتخابات اخیر زده شود؛ انتخاباتی که اعتراضات زیادی را به همراه داشت و پوتین و متحدانش به تقلب متهم شدند.

به باور کارشناسان، مقاومت و ایستادگی جدی مسکو در قبال تحولات اوکراین، نتیجه اعتمادبه‌نفسی است که پوتین در برابر غرب نسبت به تحولات سوریه به‌دست آورده، اما به‌لحاظ استراتژیکی او دلیلی ندارد کلید دروازه‌های کشورش را با یک شورش اجتماعی به رقبا دهد.

از منظر اقتصادی نیز روسیه و اوکراین در شرایط یکسانی به‌سر می‌برند. مؤسسه «استاندارد اند پورز»، رتبه اعتباری اوکراین را دو درجه کاهش داده است. ناتوانی در بازپرداخت دیون دولتی در کشوری که در دو سال گذشته اقتصاد باثباتی نداشته نیز خود معضل بزرگی است؛ کشوری که کسری بودجه آن در سال ۲۰۱۳، برابر با ۸،۹ درصد تولید ناخالص داخلی‌اش بوده است.

اعتراض‌ها در مسکو توسط گروه حداقلی از افراد تحصیل‌کرده و طبقه متوسط سازماندهی می‌شد و به همین دلیل، بسیار آرام و محتاط بود. به باور کارشناسان، مخالفان پوتین برای موفقیت، راه بسیار دشوارتری را پیش‌رو دارند و نمی‌توانند مانند اوکراینی‌ها موفق شوند، چراکه مشت آهنین پوتین و موافقت رهبران محلی با سیاست‌های کرملین، مانع بزرگی به‌شمار می‌آید.

حال، رهبران جدید اوکراین باید با سیاست‌مداران در بخش‌های جنوب شرقی، همکاری مستمری را پایه‌ریزی کنند و دولتی را تشکیل دهند که از خلق دیکتاتوری دیگر جلوگیری کند. اما در آن سوی میدان، پوتین که به‌خوبی زنگ خطر را شنیده است، تلاش می‌کند از هر اشتباه رهبران جدید کی‌یف به‌نفع خود بهره‌برداری کند. او درحقیقت از هر فرصتی بهره می‌جوید تا نقشه راه متفاوتی را برای مسکو ترسیم کند. رئیس‌جمهوری روسیه درحالی‌که همچنان از مزایای منابع وسیع نفتی بهره می‌برد، باعصبانیت، چگونگی اداره و مدیریت اوکراین جدید را به نظاره نشسته است. او باید با تمامی ذکاوتش مراقب باشد که شهروندان روسش، جای پای مردمانی نگذارند که از اقتصاد متزلزل کشورشان به ستوه آمده بودند.

نگاه

چند سناریو برای افغانستان

عبدالحمید نورزایی . پژوهشگر افغان

چند هفته است افغانستان آماج حملات گروه‌های مسلح داخلی و خارجی است. گفته می‌شود هزاران نفر از پاکستانی‌ها و ازبک‌ها و ملیت‌های دیگر از وزیرستان پاکستان از طریق جنوب و غرب افغانستان به شمال این کشور سرازیر شده‌اند و استان «فاریاب» را مرکز فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. آنها مرکز فرماندهی خود را در شهرستان «قورماج» قرار دارند و دو هفته پیش، عملیات بسیار بزرگی را برای تصرف هم‌زمان هشت شهرستان آغاز کردند که با مقاومت مردم و نیروهای نظامی، مجددا عقب‌نشینی کردند. هم‌زمان نیروهای وابسته به آنها در ولایت «قندوز»، عملیات بسیار سنگینی را شروع کرده‌اند، آنها تا شش کیلومتری مرکز استان پیشروی کرده‌اند و سه شهرستان سقوط کرده است. وزارت دفاع افغانستان با اعزام نیروهای ویژه به مرکز استان، از سقوط قندوز جلوگیری کرده و در شهرستان‌های «چهار دره» و «امام صاحب»، جبهه بزرگی را تشکیل داده است. با توجه به مختصات جنگ‌های اخیر می‌توان به این نتیجه رسید که شورشی‌ها از پایگاه‌های سنتی خویش در جنوب افغانستان، به سمت شمال این کشور در حرکت هستند و جغرافیای جنگ در این منطقه تغییر کرده است. معاون اول ریاست‌جمهوری، «ژنرال عبدالرشید دوستم» و «محمد اسماعیل خان» فرمانده جهادی، از شورای امنیت ملی و ریاست‌جمهوری درخواست کردند آنها گروهی برای مقابله با تروریست‌ها تشکیل دهند که با مخالفت حکومت مواجهه شدند. افغانستان ۴۰۰ هزار نیروی امنیتی و نظامی دارد و تمام آنها به حالت آماده‌باش کامل درآمده‌اند. آنها بدون پشتیبانی نیروهای آمریکایی و ناتو، درگیر سخت‌ترین آزمون ۱۴ سال اخیر هستند. ظهور نیروهای بسیار افراطی سیاه‌پوش در شمال افغانستان، که کسی از منشأ و اهداف آنها اطلاعی در دست ندارد، باعث نگرانی‌های شدیدی هم در بین طالبان و هم حکومت شده است. نیروهای سیاه‌پوش بسیار منسجم و هدفمند حمله می‌کنند و در حملات خود از روش‌های جدید جنگی استفاده می‌کنند. دولت آنها را «رجی» خطاب می‌کند. برای شرایط بسیار پیچیده افغانستان، دو تحلیل می‌توان ارائه کرد:

تغییر در تاکتیک و جغرافیای جنگی

نخست؛ حضور گسترده نیروهای افراطی در شمال افغانستان، به‌علت کاهش فشار بر جبهه جنوبی است تا ارتش ملی با انتقال تسلیحات سنگین به شمال و کم‌کردن نیرو در جنوب، دوباره در نقطه ضعف و موضع شکست قرار گیرد؛ نتیجه آن عملیات سنگین هلمند است که در آن طالبان شکست خوردند و پس از ۱۴ سال، نقاط تصرف‌شده خویش را از دست دادند. این شکست برای طالبان بسیارگران تمام شد، درحالی‌که حتی نیروهای مجهز انگلیسی نیز نتوانستند هلمند را پاکسازی کنند.

معامله سازمان‌های امنیتی پاکستان و افغانستان

تحلیل دیگر خبر از یک معامله بین سازمان اطلاعات ارتش پاکستان و اداره امنیت ملی افغانستان می‌دهد. بارها گزارشات مستندی از طرف اداره امنیت ملی افغانستان منتشر شد که سازمان اطلاعات ارتش پاکستان را متهم به جابه‌جایی نیروهای شبکه حقانی و دیگر گروه‌های تروریستی می‌کرد، اما پس از انفجار مدرسه نظامی پیشاور در پاکستان و رفت‌وآمدهای مقام‌های ارشد امنیتی دو کشور، شاهد برگِ جدیدی از روابط اطلاعاتی و امنیتی بین طرفین هستیم. هم‌اکنون ارتش پاکستان عملیات بسیار بزرگی را در وزیرستان و «دره سوات» آغاز کرده است و در حال پیشروی هستند. نیروهای مخالف که همیشه در جنوب و شرق مستقر بودند، همواره پس از شدت‌گرفتن جنگ، به‌سمت پاکستان متواری می‌شدند، اما با توجه به اینکه در شمال افغانستان، کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان با طالبان و نیروهای مخالف ارتباطی ندارند و مرزهای خود را به‌شدت کنترل می‌کنند، راه فراری برای داعش، طالبان و دیگر جنگجوها وجود ندارد. همچنین اقوام ساکن در شمال افغانستان به‌صورت سنتی مخالف گروه‌های شورشی هستند و شورشی‌ها نمی‌توانند به آنها پناه ببرند. از سوی دیگر، عملیات ارتش پاکستان در وزیرستان هم‌زمان با سرازیرشدن نیروهای افراطی به شمال افغانستان همراه بوده است، هرچند پاکستانی‌ها رفتارهای دوگانه‌ای برابر افغانستان در پیش گرفته‌اند، اما اگر این تحلیل درست باشد، شاهد پیروزی بزرگی برای دو کشور در جنگ با تروریسم خواهیم بود. آنچه ما شاهد آن هستیم، به‌ویژه اظهارات تند رئیس‌جمهور، «اشرف‌غنی»، در هند که گفت «افغانستان را به قبرستان تروریست‌ها مبدل خواهد کرد»، از نوعی برنامه‌ریزی حکایت دارد. در چند روز گذشته مقامات امنیتی افغانستان به مجلس احضار شدند و در جلسه‌ای محرمانه اوضاع افغانستان را برای نمایندگان مردم تشریح کردند، هر چند خبری از این جلسه منتشر نشد، اما امید آن می‌رود که کابل برنامه منسجمی را برابر شورشیان در دست داشته باشد. دولتمردان افغانستان با تجربه‌ای که از ۳۴ سال جنگ داخلی و جنگ با تروریسم دارند، به‌خوبی با خطرات جریان‌های افراطی و سیاه‌پوشانِ زمان آشنا هستند. آنها در راه رسیدن به افغانستانی باثبات، ثابت‌قدم هستند، اما قطعا روند برقراری ثبات در افغانستان طولانی خواهد بود.